

جنبش دموکراسی خواهی در زیمبابووه (1998 تا امروز)

THE PRO-DEMOCRACY MOVEMENT IN ZIMBABWE

JOSIAH BOB TAUNDI

INTERNATIONAL CENTER ON NONVIOLENT CONFLICT, 2010
TRANSLATION: ICNC, MOHSEN SAZEGARA (TRANSLATOR), DECEMBER 2010

جنبش دموکراسی خواهی در زیمبابوه (1998) تا امروز

جوسیا باب توندی Josibah Bob Taundi

نوشته شده در آوریل 2009، به روز شده در اکتبر 2010

توضیح:

در گذشته و حال مبارزات بی خشونت، صدها نمونه موثر وجود دارد. در راستای دسترسی آسان تر به این نمونه ها، مرکز بین المللی مبارزه بی خشونت (ICNC) خلاصه این مبارزات را جمع آوری و معرفی می کند. هر خلاصه به قصد معرفی چشم اندازی روشن و قابل فهم از نقش مقاومت مدنی بی خشونت در تغییر جوامع نوشته شده است.

متن های پیش رو توسط فعالین و صاحب نظران در منطقه ویژه ای از جهان و یا متخصصین مبارزات بی خشونت نوشته شده است. نویسندگان نظرات خود را می نویسند، بنابراین در این متن ها لزوما نظر ICNC منعکس نمی شود.

چنانچه نمونه ای از مبارزه بی خشونت را می شناسید و فکر می کنید درج خلاصه آن در وب سایت ICNC ضروری است لطفا از طریق icnc@nonviolent-conflict.org برای ما بنویسید.

خلاصه مبارزه:

در زیمبابوه، مبارزه بی خشونت برای دستیابی به دموکراسی، از اواخر دهه نود تا کنون مورد توجه است. مبارزه توسط احزاب مخالف و جامعه مدنی و علیه حزب حاکم رهبری می شود. حزب حاکم به "جبهه متحد میهن پرست ملی آفریقایی زیمبابوه" معروف است که به اختصار ZANU-PF خوانده می

شود. روبرت موگابه از این حزب است و پس از استقلال این کشور و خروج انگلیسی ها از زیمبابوه تاکنون، زمامدار این کشور آفریقایی بوده است.

تاریخ سیاسی:

زیمبابوه در تاریخ 18 آوریل 1980 و پس از جنگ داخلی خونینی با حکومت اقلیت سفید (رودزیا) از بریتانیا مستقل شد. روبرت موگابه و حزب ZANU-FP حکومت جدید را تشکیل دادند. ناآرامی ها در استان های میدلندز و متبلند میان سال های 1982 تا 1985، امیدهای اولیه پس از استقلال را از میان برد. این ناآرامی ها پس از ایجاد اختلافات سیاسی میان حزب موگابه و حزب قدیمی ملی گرای جوشوا نکومو Joshua Nkomo بروز کرد. موگابه تیپ پنجم خود را که در کره شمالی دوره دیده بودند، به رویارویی با طرفداران نکومو فرستاد. در این مناقشات نزدیک به بیست هزار نفر غیر نظامی کشته شدند. بیشتر کشته ها از قوم ندبل Ndebele، حامی نکومو، بودند.

صلح در سال 1987 محقق شد. دو حزب متخاصم پیمان صلحی امضا کردند اما در واقع حزب موگابه حزب رقیب را بلعید و کشور تحت کنترل حکومتی تک حزبی درآمد.

در اواخر دهه نود میلادی، بسیاری از مردم زیمبابوه از روبرت موگابه خسته شده بودند. چرا که سوءمدیریت او بحران های اقتصادی بزرگی آفریده و فساد و درگیری در جنگی پرهزینه با جمهوری دموکراتیک کنگو، فشار زندگی را در این کشور افزایش داده بود. کمبود برق و سوخت به چشم می آمد. در همین حال بیکاری، تورم و ایدز بی داد می کرد. سلامتی، آموزش و سرویس های اجتماعی رو به زوال می رفت و کیفیت زندگی رو به کاهش بود.

حزب رقیبی در زیمبابوه پا نگرفته بود و موگابه علاقه ای به ترک قدرت نشان نمی داد.

کنش های استراتژیک:

تحریم ها:

اولین کنش بی خشونت در ابعاد وسیع در زیمبابوه، توسط کنگره اتحادیه های صنفی زیمبابوه یا ZCTU که انجمنی صنفی است، سازماندهی شد. این سازمان در ابتدا توسط حکومت بنیان گذاری شد ولی به مرور از حکومت مستقل شده و به انتقاد از سیاست های آن پرداخت.

این سازمان در نیمه نوامبر 1998 فراخوان تحریمی عمومی را منتشر کرد. این تحریم برای فشار بر حکومت در اعتراض به افزایش 67 درصدی قیمت بنزین بود. افزایش قیمت بنزین به نوبه خود به افزایش قیمت دیگر خدمات و کالاها منجر شده بود. آن چه به "عدم همکاری بزرگ" شهرت یافت، از کارگران و عموم مردم می خواست در خانه هایشان بمانند. مردم متحد شدند و در بیشتر شهرها، کارخانه ها، مدارس و دفاتر تعطیل شدند. اتوبوس های شهری از حرکت باز ایستادند. دولت میلیون ها دلار ضرر کرد و مورگان چانگیرای Morgan Tsvangirai کسی که بعد ها به عنوان دبیر کل اتحادیه صنفی ZCTU انتخاب شد، آن را یک موفقیت نامید.

کنش عدم همکاری ZCTU سطح بالای ناراضی در اقشار مختلف مردم زیمبابوه را نشان داد. تا آن زمان، حرکت های اعتراضی این چینی منحصر به دانشجویان بود. این کنش عدم همکاری، بخش عمده ای از مردم را درگیر کرد و نشان داد مردم می توانند بدون تماس غیر ضروری با پلیس های مسلح و سربازانی که در سراسر کشور به کار گرفته می شوند، مخالفت و ناخشنودی خود را نشان دهند.

کنش های عدم همکاری بیشتری انجام شد، اما توان این کنش ها به دلیل وخیم شدن اوضاع اقتصادی، از آن جایی که مردم بیشتری با دغدغه های روزانه نظیر غذا درگیر شدند، تحلیل رفت.

رفراندم:

قدرت مردم طی برگزاری رفراندوم برای قانون اساسی جدید، یک بار دیگر در سال 2000 نشان داده شد.

در سال 1997، مجلس ملی قانون گذاری یا NCA تشکیل شد. ائتلافی از سازمان های مدنی به نمایندگی کلیساها، کارگران، دانشجویان، زنان، مدافعین حقوق بشر و سایر سازمان هایی که به دنبال قانون اساسی نو و مردم-محور بودند، تشکیل شد. ZCTU هم یکی از اعضاء بود. قانون اساسی جدید می بایست جایگزین قانون لنکستر (Lancaster) می شد که درست پس از استقلال زیمبابوه به اجرا گذاشته شده بود. انتظار می رفت قانون اساسی جدید ترم هایی نظیر "دوره ریاست جمهوری"، "اصلاحات ارضی"، "حقوق بشر" و مسایلی از این دست را تعریف کند.

اما از آن جایی که حکومت پتانسیل عوام فریبی آن را می دید به سرعت این ایده را دزدید. کمیسیون قانون اساسی شکل گرفت، کمپین سراسری برای حمایت درست شد و تبلیغات رسانه ای وسیعی برای حمایت از آن تدارک دیده شد تا قانون اساسی اصلاح شده بر اساس آن چه حکومت در نظر داشت رای بیاورد. کمیسیون قانون اساسی پیش نویسی از قانون اساسی تهیه کرد که در آن اختیارات اجرایی موگابه افزایش یافت و برنامه حزب او برای مصادره مزارع سفید پوستان، مسئله ای که هرگز از خواسته های مردم نبود، حمایت شد. کنگره ملی قانون اساسی (NCA) به سرعت پیش نویس قانون اساسی را رد کرد و مردم را با هدف رای "نه" به آن بسیج کرد.

در فوریه سال 2000 رفراندومی برگزار شد که حاصل آن 54.7 درصد رای "نه" و 45.3 درصد رای "آری" بود. برای اولین بار در یک انتخابات عمومی، حزب موگابه شکست خورد و افسانه شکست ناپذیر بودن آن در هم پیچیده شد. کمپین مسالمت آمیز بود و فرآیند رای گیری به آرامی برگزار شد.

همه پرسى حس اعتماد به نفس مردم را در فرآيند راي گيرى تقويت كرد. حسى كه پيش تر توام با بى علاقه گى و دلسردى بود. حكومت هم به اين واقعيت پى برد كه نمى تواند انتخابات آزاد و عادلانه را ببرد در نتيجه به دستكارى انتخابات هاى آينده روى آورد.

حكومت مسئله قانون اساسى را رها كرد و بر مسئله برانگيزاننده زمين كه به مدت دو دهه مغفول مانده بود، تمرکز كرد. تقريباً 4500 نفر از سفيدپوستان، نود درصد از زمين هاى مرغوب زيمبابوه را در اختيار دارند و حزب موگابه وعده داد كه طومار اين ميراث استعمارى را در هم مى پيچد. موگابه در سخنرانى اى گفت: " حزب ما بايد به كاشتن ترس در قلب سفيدپوستان ادامه دهد چرا كه آنان دشمنان واقعى ما هستند."

"سربازان آزادى" وشبه نظاميان جوان به مزارع تجارى حمله كردند. هرج و مرج و خشونت و تجاوز به مزارع، توليد كشاورزى زيمبابوه را به شدت كاهش داد تا آن جا كه ميليون ها نفر را به واردات مواد غذايى و كمك هاى بين المللى محتاج كرد؛ وضعيتى كه تا امروز ادامه دارد.

حكومت وضعيت و ساختارى پيچيده از خشونت مهيا كرد و با اعلام حضور پرسنل امنيتى، پليس، ارتش، و شبه نظاميان جوان معروف به بمب گذاران سبز، مردم را وادار كرد به حزب حاكم يعنى ZANU-PF راي دهند. نظام قضايى از قضات مستقل پاكسازى شد و قوانين سخت گيرانه اى وضع شد.

به عنوان مثال، قانون نظم عمومى و امنيت معروف به POSA به پليس اين امكان را مى داد كه از هرگونه تجمع و تظاهرات مخالفان و گروه هاى مدنى جلوگيرى كند. از قانون دسترسى به اطلاعات و حمايت از حريم خصوصى AIPPA ، براى جلوگيرى از فعاليت روزنامه نگاران خارجى، دستگيرى روزنامه نگاران داخلى و بستن سه روزنامه خصوصى استفاده شد. از جمله اين روزنامه ها روزنامه

Daily News بود که تیراژش از روزنامه دولتی The Herald پیشی گرفته بود. با بستن روزنامه های آزاد و مستقل، اپوزسیون فضای بیان صریح سیاست های خود را از دست داد و افکار عمومی بیش از پیش تحت تاثیر جنگ روانی حکومت قرار گرفت. تبلیغات حکومتی نیز از رسانه هایی نظیر تلویزیون، رادیو و مطبوعات دولتی ادامه داشت.

اخبار فعالیت های اپوزسیون دهان به دهان نقل می شد. در مناطق روستایی کسانی که مدرسه را ترک کرده اما بیکار بودند، به همراه معلمان خود انجمن های حمایت از دموکراسی را شکل دادند. این گروه ها کارت های قرمزی پخش می کردند که خواستار و نشانه تغییر بود.

انتخابات:

در سپتامبر 1999، جنبش تغییر دموکراتیک به اختصار MDC تحت رهبری مورگان چانگیرای تشکیل شد. این گروه که از طبقات مختلف اجتماع در آن حضور داشتند، اعضای خود را از میان NCA و ZCTU، دانشجویان، کارمندان، سفیدپوستان، دانشگاهیان و بیکاران جوان جذب می کرد. MDC اولین حزب مخالفی بود که به طور جدی حزب حاکم ZANU-FP را به چالش می کشید.

در انتخابات پارلمانی مارس 2000، ZANU-PF با اختلاف اندکی توانست MDC را شکست دهد. حزب حاکم در 63 حوزه انتخابیه از مجموع 120 حوزه به رای اکثریت دست یافت. در حالی که حزب مخالف MDC در 57 حوزه حائز برتری شد.

آرای حزب اپوزسیون، بیشتر از مناطق شهری، مناطقی مانند حراره و استان های ماتپله لند، می آمد. علی رغم تقسیم ناعادلانه حوزه های انتخاباتی، دستکاری و خشونت، استقبال رای دهندگان خیلی زیاد بود. حکومت از حربه هایی مانند قوانین انتخاباتی ناسالم استفاده کرد و از شبه نظامیان و نیروهای

امنیتی برای حمله به فعالین مخالف استفاده کرد. همچنین اتهام هایی علیه حکومت مطرح شد که از کمک غذایی به عنوان ابزار سیاسی برای جذب رای استفاده کرده است.

در انتخابات ریاست جمهوری مارس 2002، شمارنده های رسمی اعلام کردند چانگیرای 42 درصد آرا و موگابه 56 درصد آرا را از آن خود کرده است و بقیه آرا میان سه کاندیدای دیگر تقسیم شده است. خشونت طرفداران موگابه علیه مخالفان به سلامت انتخابات لطمه زد. اتهاماتی علیه سلامت انتخابات مطرح شد و چانگیرای انتخابات را "دزیده شده" معرفی کرد.

کشورهای آفریقایی به اعتراضات چانگیرای توجه نکردند و پیروزی موگابه را به رسمیت شناختند، اما کشورهای غربی پیروزی او را به رسمیت نشناختند؛ بلکه داریی های او را مسدود کردند، ممنوعیت بر تجارت و سفر وضع کردند و تحریم های هدفمند علیه موگابه و ماموران حکومتی او را به اجرا گذاشتند. در مارس 2005، حزب مخالف برسر شرکت و یا عدم شرکت در انتخابات مجلس دچار اختلاف شد. چانگیرای انتخابات را تحریم کرد چرا که معتقد بود ساختار انتخاباتی ناسالم و نتیجه آن از پیش معلوم است؛ اما گروه کوچکتري در حزب به رهبری آرتور موتامبرا Arthur Mutambara در انتخابات شرکت کرد. تا امروز دو شاخه حزب مخالف با هم متحد نشده اند. حزب حاکم 78 کرسی و حزب مخالف 41 کرسی را از آن خود کرد. در حالی که یک کاندیدای مستقل، جاتان مویو، هم به مجلس راه یافت.

در می سال 2005، حکومت طرح مورامباتسوینا Murambatsvina را عملیاتی کرد که در آن زاغه نشین ها و تجارت های غیر رسمی در مناطق حاشیه ای فقیر سراسر کشور تخریب شد. حاصل این عملیات میلیون ها بی سر پناه بود که از حداقل شرایط زندگی هم محروم بودند. این اقدام، محکومیت های بین المللی زیادی را به همراه داشت، تا آن جا که سازمان ملل نیز این اقدام را محکوم کرد. منتقدان هدف از این اقدام را جلوگیری از افزایش جمعیت شهری که پایگاه اصلی مخالفان بود می دانستند.

مارس 2008 تاریخ ساز بود. حزب مخالف اکثریت کرسی های پارلمان را از آن خود کرد و برای اولین بار حزب حاکم ZANU-PF را شکست داد. حزب چانگیرای همچنین ادعا کرد که او انتخابات ریاست جمهوری را با 50.2 درصد آرا برده است. کمیسیون انتخاباتی که توسط حکومت معین شده بود نتایج رسمی را برای چند ماه معلق نگه داشت، چرا که مشخص شد موگابه انتخابات را باخته است. بعدا اعلام شد چانگیرای 47.9 درصد آرا را برده و موگابه 43.2 درصد را. انتخابات باید به دور دوم کشیده می شد. بر اساس قانون هر کدام از کاندیداها باید بیش از پنجاه درصد آرا را به دست آورده باشد. حکومت خشونت وسیعی را علیه حزب رقیب و فعالین و اعضای آن سازمان داد. تا آن جا که چانگیرای ناچار به عقب نشینی شد و موگابه خود را برنده انتخابات معرفی کرد. جنجال بزرگی در عرصه بین المللی به راه افتاد و مشروعیت موگابه حتی در میان شرکای آفریقایی اش هم از بین رفت. انتخابات نشان داد چانگیرای برنامه درستی برای تن دادن موگابه به شکست، نداشت. هیچ ساختاری برای بسیج عمومی با خواست عقب نشینی موگابه وجود نداشت و دعوی حقوقی و قضایی بن بستى بیش نبود. چرا که نظام قضایی توسط سرسپردگان موگابه اداره می شد.

انتخابات همچنین اثبات کرد علی رغم بحران اقتصادی بی سابقه، هسته اصلی حمایتی موگابه یعنی پلیس و ارتش همچنان به او وفادار مانده اند و چانگیرای نتوانست آنان را به سوی خود متمایل کند. آشکارا دیده شد که تصمیم گیرنده های اصلی حکومت، موگابه و نزدیکان او نیستند، بلکه فرماندهان نیروهای امنیتی مستقر در ستاد مشترک عملیاتی اند. سازمانی که نیروهای اطلاعاتی، نظامی، پلیس و زندان ها را در اختیار دارد.

پیش از سال 2002 برخی از این افسران اعلام کردند که کسی خارج از "ارتش آزادی بخش" را نمی پذیرند و از او فرمان نمی برند که اشاره مستقیم و روشنی به چانگیرای داشت. در آستانه انتخابات 2008 رییس ستاد مشترک عملیاتی مجددا اعلام کرد: "ما از کسی جز رییس جمهور موگابه که

فداکاری های زیادی در راه کشور انجام داده حمایت نمی کنیم." و موگابه نیز در تهدیدی جدی گفت: "ما خون های زیادی برای این کشور داده ایم. ما کشورمان را به یک ضربدر در برگه رای نخواهیم فروخت. چگونه خودکار می تواند از پس اسلحه برآید؟"

تظاهرات ها:

اگرچه حزب مخالف بخش عمده ای از پایگاه خود را به سبب بیکاری (بیکاری تا 85 درصد تخمین زده می شد.) دست داد، اما جامعه مدنی به افزایش فشارهایش بر رژیم ادامه داد. این حزب همچنان در بسیج و همراه کردن متحدان منطقه ای و بین المللی علیه موگابه فعال و تاثیرگذار است.

NCA به برگزاری اعتراضات و تجمعات خیابانی ادامه داد. این اعتراضات به قانون اساسی محدود نمی گردید و موضوعات روزمره نظیر افزایش قیمت ها و عدم تحمل سیاسی را هم شامل می شد؛ اعتراضاتی که همواره با سرکوب شدید پلیس روبرو شده است.

در سال 2003، انجمن بیداری زنان زیمبابوه به اختصار WOZA، بر اساس اصول مبارزه بی خشونت تشکیل شد. این سازمان برای مادران فقیری که می خواهند نشان دهند قدرت عشق می تواند به مصاف عشق به قدرت برود، تشکیل شد. شعار محوری اش "عشق محکم" است و به دنبال هدایت عشق والدین و تشویق آن ها به مبارزه برای ساختن زندگی بهتر و فراهم آوردن عدالت اجتماعی برای فرزندان شان است.

توزیع گل سرخ در روز والناتین برای "گسترش عشق" و "درخواست نان"، "تجمع در برابر مدرسه ها" در مناطق فقیر نشین، برای نشان دادن عدم رضایت به افزایش شهریه مدارس، از جمله کنش های موفق سازمان بیداری زنان زیمبابوه است.

اعضای انجمن بیداری زنان زیمبابوه در بسیاری مواقع به همراه کودکان و نوزادان خود، هدف حمله پلیس قرار گرفتند. کتک خوردند، دستگیر و تهدید شدند، اما تسلیم نشدند. تاکتیک های بی خشونت و سادگی و مشروعیت این سازمان، همراهی افکار عمومی در سراسر دنیا را به همراه داشت. بی رحمی رژیم موگابه در برابر آنان بی اخلاقی رژیم او را برای جهانیان نمودار ساخت. این سازمان تلاش کرده که شاخه مردان خود را نیز تاسیس کند. این سازمان با اقبال زیادی در عرصه جهانی همراه بوده است.

در نوامبر 2009، دو تن از بنیان گذاران و رهبران آن، موگاندوگا مهلنگو Magondonga و جنی ویلیامز Jenni Williams جایزه حقوق بشری رابرت کندی را از دست باراک اوباما دریافت کردند.

در غیاب حداقل آزادی ها برای تشکیل انجمن ها و آزادی بیان، اینترنت نقشی اساسی در راه مبارزه برای آزادی داشته است. خبرگزاری های خارج از کشور امکان نمایان ساختن نقض حقوق بشر و فساد در زیمبابوه را بدون خطر فراهم کرده اند.

جنبش زیرزمینی Zvakwana/Sokwanele گاهی از تاکتیک های چریکی برای پر کردن در و دیوار شهرها از گرافیک، نقاشی ها و خطاطی های اعتراضی- استفاده می کند. ماموران نیروهای کافی برای پاک کردن آن را ندارند، بنابراین پیام آن ها به میلیون ها نفر در سراسر کشور می رسد. انجمن ساکنان هم آمیخته حراره یا CHRA شماره تلفن شورای شهر را منتشر می کند و از ساکنین می خواهد که به دفتر شهردار تلفن کنند و خدمات بهتری را از او بخواهند. این سازمان همچنین با ارسال پیام های اس ام اس از طریق موبایل، آگاهی شهروندان از اتفاقات شهری را افزایش می دهد. قطع برق و یا قطع آب، آلودگی های محیطی و یا دستگیری اعضا را از طریق یک راه سریع و ارزان و موثر به اطلاع شهروندان می رساند و آنان را برای کنش های بی خشونت بسیج می کند.

سازمان های داوطلب:

یکی از استراتژی های رژیم برای سرکوب، به دادگاه کشاندن و محاکمه مخالفین است، یکی از اتهامات رایج اتهام خیانت است که جزای آن اعدام است. همین طور امکان دستگیری های دسته جمعی و محروم شدن متهمان از حق داشتن وکیل وجود دارد.

سازمان هایی نظیر وکلای حقوق بشر زیمبابوه یا ZLHR و پزشک های حقوق بشر زیمبابوه یا ZDHR ، ارائه خدمات قانونی و پزشکی به طبقات فرودست جامعه را که امکان تامین مالی این خدمات را ندارند، در دستور کار قرار داده است. آن ها همچنین موارد نقض حقوق بشر در زیمبابوه را بر اساس مستندات ضبط می کنند.

فعالیت های ZDHR در همراهی با پزشکان بدون مرز در مبارزه با بیماری وبا در اواخر 2008 بسیار سودمند بود. این اپیدمی منجر به کشته شدن بیش از چهار هزار نفر شد. بیماری وبا به سبب عدم توانایی حکومت در تامین آب آشامیدنی سالم و روان بودن فاضلاب در مناطق شهری، رایج است.

مذاکرات:

عدم مشروعیت پیروزی موگابه در انتخابات سال 2008 ، حامیان آفریقایی او، به خصوص کشورهای بوتسوانا، کنیا و زامبیا را به واکنش واداشت. در آوریل 2008 کارگران بندر در آفریقای جنوبی از خالی کردن بار یک کشتی چینی که برای زیمبابوه اسلحه آورده بود، خودداری کردند؛ موزامبیک، نامیبیا و آنگولا نیز از ترخیص بار خودداری کرده و کشتی ناگزیر به چین باز گشت.

برکناری رییس جمهور آفریقای جنوبی تئو امبکی **ThaBo Mbeki**، کسی که جلوی تحریم های بین المللی علیه موگابه را گرفته بود، به انزوای زیمبابوه کمک کرد. او در اواخر سپتامبر 2008 استعفا داد و جاکوب زومبا **Jacob Zumba** به جای او بر مسند قدرت نشست که به صورت علنی از موگابه انتقاد می کرد.

افزایش فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم ها و کاهش حمایت همراهان آفریقایی به همراه رقم باور نکردنی 231 میلیون درصد تورم، سرانجام موگابه را وادار کرد به پیشنهاد رهبران کشورهای آفریقایی تن داده و به گفتگو با حزب مخالف راضی شود.

در یازده فوریه 2009، یک حکومت "فراگیر" جدید شکل گرفت و مورگان چانگیرای به عنوان نخست وزیر و آرتور موتمبارا، رهبر بخش کوچک تر حزب، به عنوان معاون وی قسم یاد کردند. وزرا به نحوی که حزب موگابه اکثریت را داشته باشد از سه حزب - حزب موگابه ZANU-FP و دو شاخه حزب مخالف انتخاب شدند.

بسیاری از سازمان های طرفدار دموکراسی، به ویژه NCA و ZCTU با دولت فراگیر مخالف بودند؛ چرا که موگابه ای که در انتخابات شکست خورده بود را در قدرت ابقا می کرد. به عقیده مخالفان دولت فراگیر، در شرایط جدید نیز موگابه همچنان قدرت فرماندهی بر همه قوای امنیتی را در اختیار دارد، آزار فعالین مدنی و تجاوز به مزارع ادامه دارد و کنترل موگابه بر اکثر بخش های حکومت پابرجاست.

اگرچه چانگیرای گفته است: "این یک تصمیم استراتژیک در موضع گیری حزب است تا شاخک های قفل شده حزب در سراسر کشور را فعال کند و این سازش در راستای دموکراتیزه کردن زیمبابوه و قطع ریشه های تقلب در انتخابات است." او گفت: "ما بدون آتش زدن صندوق های رای موفق شدیم. ما بدون ریختن خون زیمبابوه ای ها، بدون خشونت، بدون پشت سر گذاشتن بحران های شناخته شده در آفریقا، موفق شدیم."

دولت جدید به طور کلی جامعه مدنی را حذف کرده است. شکاف بزرگی میان حزب مخالف و طرفداران اش در جامعه مدنی پدید آمده است. NCA کمپین "نه" دیگری در پاسخ به دعوت کمیته پارلمانی چند-

حزبی برای تدوین یک قانون اساسی جدید آغاز کرده است. NCA معتقد است این طرح اصلاح قانون اساسی، از دل سیاستمداران و نه مردم، بیرون آمده است.

وضعیت امروز:

دولت اتحاد ملی در تامین نیاز های توده مردم و افزایش ثبات در کشور، به موفقیت هایی دست یافته است. MDC یا حزب مخالف، وزارت دارایی را در اختیار دارد. دلار زیمبابوه را از گردونه خارج کرد و دلار آمریکا و پول آفریقای جنوبی و بوتسوانا را به جای آن قرار داد و توانست ثبات نسبی اقتصادی به وجود آورد. دولت اتحاد ملی می کوشد تا بر کشوری که سرشار از خشونت سیاسی است سوار شود. در حالی که موگابه همچنان قدرت وسیعی دارد و ماشین سرکوب اش از فعالین مخالف، قربانی می گیرد. در چشم انداز هجده ماهه، دولت اتحاد ملی به دنبال تدوین قانون اساسی جدید و مهیا کردن شرایط مساعد برای انتخابات آزاد و عادلانه است.